

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: تی بری میسان
برگردان از: سیلویا بیژنیان - Sylvia Bejanian
۰۷ دسمبر ۲۰۲۱

اقتصاد اروپای غربی به پایان راه رسید

تولید اجازه زیستن را به غرب نمی دهد ، این در حالی است که چین به بزرگترین کارگاه جهانی بدل شده است . تنها کسانی که سرمایه در اختیار دارند ، قادر به پول درآوردن می باشند ، آن هم پول های کلان . این سیستم در حال فروپاشی است . سرمایه داران بزرگ می توانند کل سرمایه خود را حفظ کنند ؟
ولترشیکه پاریس (فرانسه) ۶ دسمبر ۲۰۲۱



گرسنگی پس از بحران ۱۹۲۹ غرب را فرا گرفت . تمام سازمان ها تهدید شدند . و تنها به کمک جنگ جهانی دوم به حیات خود ادامه دادند.

طی قرن ۱۸ ، اقتصاد دانان بریتانیا در رابطه با سیستم سرمایه داری از داوید ریکاردو مشورت خواستند تا بدانند این سیستم می تواند دوام بیاورد . اما تجربه نشان داد که سرمایه داری در ابتداء بسیار سود آورد بود ، ولی از آنجائی که این روش همه گیر شد دیگر قادر نبود تا صاحب خود را غنی تر کند . روش مصر ف نمی توانست به طور دائم تولیدات انبوه را تأیید کند . کمی بعد ، کسانی چون کارل مارکس [۱] پایان راه سرمایه داری را اعلام کردند.

این جریان می بایستی در سال ۱۹۲۹ پایان می یافت، اما با تعجب فراوان باقی ماند. هم اکنون نیز ما به وضعیت همان سال ها نزدیک می شوم. تولید دیگر سودآور نیست، و تنها سرمایه می تواند پول را حفظ کند. در همه نقاط کشور های غربی، ما شاهد افت سطح زندگی توده مردم می باشیم در حالی که سرمایه های عده ای محدود سر به فلک کشیده است. این جریان این بار فرو خواهد پاشید، اما دیگر از جای خود بلند نخواهد شد. آنهایی که از سرمایه داران هنگفت می باشند آیا قادر خواهند بود دارائی خود را حفظ کنند، و آیا می تواند تقسیم سرمایه با فروپاشی کلی صورت پذیرد؟



پس از آن که ژوزف استالین لنون تروتسکی را از اتحاد جماهیر شوروی بیرون راند و به رویای انقلاب جهانی وی پایان داد، توانست اتحاد جماهیر شوروی را بنا کند، بی آن که با ارتش سفید بجنگد.

بحران سال ۱۹۲۹ و زنده ماندن سیستم سرمایه داری

زمانی که بحران سال ۱۹۲۹ به ایالات متحده رسید، تمامی نخبگان غرب متوجه شدند که مرغ تخم طلایی مرده است. می بایستی بلافاصله سیستم جدیدی را ابداع کنند، چرا که بشریت در آستانه مرگ از گرسنگی قرار داشت. برای اطلاع بیشتر از این موضوع باید به رسانه های ایالات متحده و اروپا رجوع نمود تا متوجه ترس و وحشتی شد که غرب را در بر گرفته بود. سرمایه های هنگفتی یک شبه نابود شده بود. میلیون ها کارگر در وضعیت بی کاری قرار داشتند و نه تنها با فلاکت و مصیبت طرف بودند، بلکه گرسنگی نیز همه گیر شده بود. مردم دست به شورش زدند. پولیس به سوی مردم خشمگین شلیک می کرد. کسی فکر نمی کرد سیستم سرمایه داری بار دیگر متولد شود. دو روش سیاسی و اقتصادی پیشنهاد شد: ستالینیزم و فاشیزم.

به عکس تصویری که یک قرن بعد از این حوادث ارائه می شود، در آن زمان همه می دانستند که این دو ایدئولوژی چه کاستی هائی دارد. اما مشکل اصلی آن بود که چگونه باید مردم را سیر نگه داشت. در آن هنگام نه گروه های چپ و نه گروه های راست فعال بودند، بلکه همه به دنبال راهی برای گریز از این بحران می گشتند. بنیتو موسولینی، که صاحب امتیاز روزنامه سوسیالیستی ایتالیا را پیش از جنگ جهانی اول در اختیار داشت و از ماموران ام آی ۶ بریتانیا بود، رهبر حزب فاشیستی ایتالیا گردید. این حزب و ایدئولوژی، نان آور طبقه کارگر گردید. ژوزف ستالین، که طی

انقلاب کبیر روسیه جزو بلشویک ها بود ، تمام نمایندگان حزب خود را کنار گذاشت و برای ساختن اتحاد جماهیر شوروی اقدام کرد ، نمادی که نشان مدرنیته در روسیه بود.

اما در این راستا ، هیچ یک از این دو رهبر نتوانست به انتهای مسیر خود حرکت کند. در واقعیت امر اقتصاد دانان پیوسته جایگاه خود را به نظامیان می دهند و اسلحه حرف نهائی را می زند . از این رو ، به هنگام جنگ جهانی دوم ، اتحاد جماهیر شوروی و در کنار آن انگلو ساکسون ها پیروز شدند و فاشیزم هیتلری و موسولینی سقوط کرد و نابود شد . با این حال ایالات متحده با جنگ جهانی دوم نابود نشدند و فرانکلین روزولت سیستم بانکی را سازماندهی کرد و شانس دومی به سیستم سرمایه داری اعطا نمود . ایالات متحده اروپا را بازسازی کردند بدون آن که طبقه کارگر را نابود سازند که امکان داشت به سمت و سوی شوروی حرکت کند.



کلوز کلاینفلد مدیر پروژه نئوم . او بر شورای مدیریت گروه بیلدبرگ (سازمان ناتو) و اجلاس داووس نظارت دارد.

بحران پس از انحلال شوروی

پس از انحلال اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ ، سیستم سرمایه داری فاقد رقیب شد و توانست تمام شیاطین گذشته خود را فرا خواند . در طی چند سال، همان علل ، به نتایج گذشته منجر شد . تولید در ایالات متحده سیر نزولی را طی کرد و مشاغل به سمت چین روانه شدند . طبقه متوسط سقوط نزولی خود را شاهد بود . سرمایه داران ایالات متحده احساس کردند تهدید شده اند. آنها طی چند اقدام کوشیدند تا کشور خود را از فرو رفتن در این ورطه حفظ کنند و سیستم سرمایه داری را پایدار نگه دارند.

نخستین اقدام آنها تغییر دادن روش اقتصادی ایالات متحده بود و برای نیل به این هدف آنها به صدور سلاح روی آوردند و نیروهای نظامی خود را برای کنترل منابع اولیه و منابع انرژی به کار انداختند. این طرح برای سرمایه داری مالی با کمک دکترین رامسفلد /سبروسکی [2] عملی شد که در آن دولت پنهان ایالات متحده حادثه ۱۱ سپتامبر را به وجود آورد تا جنگ بی پایانی را در خاور میانه آغاز کند . این دوره بیست سال به سیستم سرمایه داری اجازه داد تا استراحت کند، با وجود آن که پیامدهای آن برای طبقه متوسط مرگ آور بود.

دومین اقدام آنها جلوگیری از داد و ستد های بین المللی بود تا تولیدات ایالات متحده دوران دونالد ترمپ تحقق یابد . اما از آنجائی که به عوامل ۱۱ سپتمبر اعلام جنگ نمودند ، کسی به آنها اجازه نداد ایالات متحده از ورطه ای که در آن قرار داشت خلاص شود.

سومین تحول مد نظر قرار گرفت . چرا که نابودی مردم غرب و جایگزین کردن آنها با میلیارد های یک دولت روباتیک امکان نداشت . پروژه نئوم شکل گرفت که توسط شاهزاده محمد بن سلمان آغاز گردید . او در بیابان های سعودی با کمک سازمان ناتو آغاز به ساخت و ساز نمود . اما پس از یک مرحله فعالیت بسیار ، این عملیات به نقطه صفر خود رسیده اند.

اکیپ دونالد رامسفلد (که دکتر ریچارد هاتچت [3] و آنتونی فوچی [4] از عوامل آن می باشند) تصمیم گرفت مسیر چهارمی را با کمک بیماری کرونا پیش بگیرد.

این بیماری که در کشورهای پیشرفته صورت دست جمعی به خود گرفته از سال ۲۰۰۱ طراحی شده است . خانه نشین کردن مردم سالم باعث شده تا دولت ها به قرض کردن روی آورند . کار از راه دور باعث شده تا ده ها میلیون شغل از محل اصلی خود جابه جا شود . پاسپورت بهداشتی باعث شده تا به نظارت کامل بر مردم انجام شود



کلوز شواب اجلاس داووس را سازمان دهی می کند و به مانند لونی چهاردهم تمام ثروتمندان را تحت نظر می گیر
آنها به نفع NED/CIA

کلوز شواب و بدعت بزرگ

کلوز شواب در اجلاس داووس بیماری کرونا را بدعت بزرگ نامید . این یک برنامه نبود بلکه تجزیه و تحلیل موقعیت موجود به حساب می آمد که در رابطه با تحولات ممکن بود . این کتاب برای اعضای داووس نوشته شده است و میزان پائین فکری نگارنده را نشان می دهد . نویسنده به دور بسته و گریخته از اعداد عجیب و غریبی استفاده می گیرد که نیل فرگوسن از کالج سلطنتی در اختیار وی گذاشته [5].

در سال های ۷۰ و ۸۰ میلادی ، کلوز اشواب مدیر سازمان Escher-Wyss در آمد که سپس توسط سازمان Sulzer AG بلعیده شد . شرکتی که به فعالیت های مهم هسته ای در افریقای جنوبی در دوران آپارتاید اقدام می کرد : اقدامی که

خلاف مصوبه ۴۱۸ شورای امنیت ملل متحد به حساب می آمد . از این رو هیچ گونه حفظ اخلاق و ترس در این گروه وجود ندارد . کلوز شواب مجتمعت صاحبان شرکت ها را تشکیل داد که به اجلاس اقتصادی جهانی بدل شد . تغییر نام آن توسط سازمان بین المللی خصوصی (سی آی پی ای CIPE) انجام شد که شاخه ای از National Endowment for Democracy (Ned / CIA) به حساب می آمد

به همین علت در سال ۲۰۱۶ به گروه بیلدربرگ ملحق گردید (گروه بیلدربرگ زیر نظر سازمان ناتو فعالیت می کند) در کتاب خود کلوز شواب مخاطبان خود را به جامعه ای آماده می سازد که به مانند نوشته اورول می باشد . او می خواهد تعداد مرگ و میر ناشی از کرونا را به ۴۰٪ جمعیت جهان گسترش دهد . او هیچ پیشنهادی در این کتاب ارائه نمی دهد و از هر گونه گزینه ای اجتناب می کند . به همین علت کلوز شواب و کتابش تصمیم گیرنده نمی باشند ، اما حاضرند برای حفظ قدرت خود دست به هر گونه اقدامی بزنند.

نتیجه گیری.

ما در آستانه دگرگونی و به هم ریختگی عظیمی قرار گرفته ایم که تمامی سازمان های غربی را نابود خواهد کرد . این زلزله می تواند به طور ساده ای کنار گذاشته شود ، این اقدام با روش اعتدال میان کار و سرمایه امکان خواهد داشت . این راه حل می تواند پایان راه سرمایه داری کلان باشد.

با توجه به این داده ها ، رقابت میان شرق و غرب از حالت تصنعی خود خارج خواهد شد . نه به این خاطر که مردمان آسیا نمی خواهند با غرب وارد رقابت شوند ، بلکه علت آن است که آنها شاهد کشور های غربی هستند که در حال مرگ به سر می برند.

از این جهت روسیه و چین به طور آهسته در حال شکل دادن به جهان هستند و دیگر نمی خواهند به کشورهای غربی ملحق شوند ، چرا که این کشورها را به صورت وحوشی می بینند که زخمی شده . آنها حاضر نیستند با این کشورها وارد جنگ شوند، بلکه می خواهند به هنگام خودکشی در کنارشان باشند.

[1] Zur Kritik der politischen Ökonomie, Karl Marx, Franz Duncker Verlag (1859).

[2] « [La doctrine Rumsfeld/Cebrowski](#) », par Thierry Meyssan, Réseau Voltaire, 25 mai 2021.

[3] شبکه ولتر، ۵ مه Sylvia Bejanian, کوئید-۱۹ و سپیده دم سرخ، بوسیله تی یری میسان، ترجمه، ۲۰۲۰، www.voltairenet.org/article209823.html

[4] « [Covid-19 : l'état se resserre autour du docteur Anthony Fauci](#) », Réseau Voltaire, 7 octobre 2021.

[5] « [Covid-19 : Neil Ferguson, le Lyssenko libéral](#) », par Thierry Meyssan, Réseau Voltaire, 18 avril 2020.